

پیام ایران همین مرد است

نیو یورک تایمز

۸ تیر ۱۳۸۵

هادی قائمی

بیروت. هفته گذشته ایرانیان با يك خبر شگفت‌انگیز از خواب بیدار شدند: حکومت آنها دادستان مخوف تهران، سعید مرتضوی، را به عنوان عضو هیات نمایندگی ایران در اجلاس شورای جدید حقوق بشر سازمان ملل متحد به ژنو فرستاد است.

ایرانیان نمی‌دانند باید بخندند یا گریه کنند. مرتضوی یکی از سرشناس‌ترین ناقضان حقوق بشر در کشور است. سازمان دیده‌بان حقوق بشر از ایران خواست تا بی‌درنگ او را برکنار کند و از دولتهای دیگر نیز خواست تا زمانی که مرتضوی عضو این هیات نمایندگی است از ملاقات با این هیات خودداری نمایند.

مرتضوی، که در ایران به خوبی شناخته شده و منفور است، آینه‌ای از تمام سیاهکاری‌های نظام قضایی ایران است: پاسخگو نبودن، معافیت از مجازات، بی‌توجهی به حقوق اساسی، دستکاری در قانون برای پیشبرد مقاصد سیاسی، استفاده گسترده از شکنجه، و از همه بالاتر، سوءاستفاده از قدرت قضایی برای سرکوب بیان مسالمت‌آمیز ناراضی‌تبی و انتقاد.

ایرانیان به مرتضوی لقب "قصاب مطبوعات" را داده‌اند. در سال ۲۰۰۰ میلادی مرتضوی، که در آن زمان قاضی بود، در ظرف یکماه و با استفاده از قانونی کهنه مربوط به دهه ۱۹۵۰ تحت عنوان قانون اقدامات تأمینی دوازده روزنامه را بست. این قانون در اصل برای بازداري باندهای تبهکار از تهدید مردم وضع شده بود. از آن زمان تا کنون بیش از ۱۰۰ روزنامه و نشریه بسته شده‌اند.

مرتضوی در سال ۲۰۰۳ به دادستانی تهران ارتقاء یافت. در این مقام او تعداد زیادی از مدافعان حقوق بشر ایران، روزنامه‌نگاران، دگراندیشان، دانشجویان و فعالان را محاکمه کرده، و گفته می‌شود مستقیماً در قتل، شکنجه، بازداشت خودسرانه و اعتراف‌گیری دروغین دست داشته است.

در ژوئن ۲۰۰۳، مقامات ایران زهرا کاظمی، يك خبرنگار عکاس کانادایی- ایرانی را در حالی دستگیر کردند که مشغول عکاسی از زندان اوین بود. براساس تحقیق انجام شده از طرف مجلس ایران، مرتضوی خود شخصا بازجویی از او را که متهم به جاسوسی شده بود برعهده گرفت. وکلای خانواده کاظمی می‌گویند علانم شکنجه بر بدن او نمایان بوده و آقای مرتضوی در جلسه بازجویی که او در آن از ناحیه سر مضروب شد، حضور داشته است. چند روز بعد، کاظمی به حالت کما رفت و درگذشت. مقامات ایرانی هیچکس را مسئول قتل او نشناختند.

در يك مورد دیگر که سازمان دیده‌بان حقوق بشر آنرا مستند ساخته، مرتضوی دستور دستگیری خودسرانه ۲۰ وبلاگ‌نویس و روزنامه‌نگار اینترنتی را در سال ۲۰۰۴ صادر کرد. بازداشت شدگان به زندانی مخفی منتقل شدند، در انفرادی نگه داشته شدند و توسط زیردستان مرتضوی بازجویی شدند. بازجویان زندانیان را شکنجه کردند تا آنها به دروغ همکاران خود را متهم به اعمال غیراخلاقی و جاسوسی برای خارجی‌ان نمایند.

به عنوان شرطی برای آزادی، بازجویان چهار نفر از زندانیان را مجبور به نگاشتن اعتراف‌نامه کردند. وبلاگ‌نویسان گزارش دادند که خانواده آنها مورد تهدید قرار گرفته‌اند، و شخص مرتضوی آنها را مجبور کرد تا در تلویزیون دولتی ظاهر شوند و بگویند که مقامات زندان به آنها از "گل نازک تر" نگفته‌اند.

بنابراین دولت ایران چه فکر می‌کند؟ شاید هنوز از عدم پذیرش خود در شورا، که اجازه ورود به بدترین ناقضان را نداد، ناراحت است. یا شاید این استراتژی غافلگیری و ترساندن دولت ایران باشد: غافلگیری مردم ایران که چقدر دولتمندان نسبت به حقوق بشر بی‌اعتناست، و ترساندن ایشان از مصونیت مطلق خود.

اگر مرتضوی از کار برکنار و محاکمه شود، که باید بشود، هیچگونه کمبودی از نظر گواهان نخواهد داشت. اما از آنجایی بنظر نمی‌رسد چنین اتفاقی بیافتد، بسیاری از ایرانیان امیدوارند که شورای جدید راهکار بین‌المللی تازه‌ای برای به کیفر رساندن چنین افرادی پیدا کند، و نه آنکه این افراد را به عنوان عضو هیات‌های شرکت کننده در اجلاس خود بپذیرد.

به عنوان اولین گام، شورا باید از انتخاب یک گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در باره ایران پشتیبانی نماید تا به نظارت و گزارش‌دهی علنی در باره بدرفتاری‌های حقوق بشر بپردازد و مراقب باشد تا عدم پاسخگویی کنونی دولت ایران باز هم منجر به سرکوب گسترده‌تر مخالفان سیاسی و آزادی‌های اجتماعی نشود.

بعلاوه، اعضای شورای امنیت و آلمان که در حال مذاکره اتمی با ایران هستند باید نگرانی‌های حقوق بشر را در دستور کار خود قرار دهند. آنها باید از ایران بخواهند تا کارنامه حقوق بشر خود را بهبود بخشند و از حمایت از ناقضانی مانند مرتضوی دست بردارند.

*هادی قائمی پژوهشگر سازمان دیده‌بان حقوق بشر است.